

## بازخوانی جایگاه نخبگان و خواص در هدایت جامعه شیعی در عصر رضوی و دوران غیبت

زهرا قاسم نژاد\*، محمد رضا ستوده نیا\*\*، نصراله شاملی\*\*\*

### چکیده

«نخبگان» و «خواص» جامعه، افرادی هستند صاحب علم، آگاهی، بصیرت و دارای قدرت تحلیل و استنباط که رهبر جامعه را در پیشبرد اهدافش یاری می‌رسانند. یکی از مهم‌ترین وظایف نخبگان شیعه در هر عصر، هدایت جامعه به سمت اسلام اصیل محمدی است. نخبگان و خواص جامعه، با بهره‌گیری از تقوا، علم، بصیرت و آگاهی؛ به هدایت شهروندان جامعه شیعی پرداخته، جامعه را از لغزش‌ها و انحرافات مصون می‌دارند. این پژوهش در صدد است تا به این پرسش پاسخ دهد که خواص جامعه شیعی عصر امام رضا علیه السلام چه کسانی بودند؛ جایگاه آنان در جامعه چگونه بود؛ و نقش آفرینی آنان در هدایت جامعه شیعی به چه صورت بوده است. پاسخ این پرسش نویسنده را یاری می‌کند تا به بررسی و تحلیل جایگاه و نقش خواص جامعه شیعی عصر غیبت بپردازد. نتیجه حاصل از پژوهش اثبات می‌کند که نخبگان عصر رضوی با حضور خود در عرصه‌های دینی، علمی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به هدایت جامعه شیعی پرداخته و امام امت را در رسیدن به اهدافش یاری کردند. بارزترین ویژگی نخبگان در تمام عرصه‌ها، تقوا و بصیرت آنان بود که مانع لغزش آنان و هدایت جامعه به سمت رشد و کمال می‌شد. بنابراین، در دوران غیبت نیز باید نخبگان در عرصه‌های مختلف با سلاح تقوا، علم و بصیرت حضور فعال داشته و جامعه را از انحرافات و لغزش‌ها مصون دارند.

### کلید واژه‌ها:

امام رضا علیه السلام، جامعه شیعی، خواص، دوران غیبت، عصر رضوی، نخبگان.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

\*\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب دانشگاه اصفهان.

## مقدمه

پیروان رهبر جامعه را دو گروه «عوام» و «خواص» تشکیل می‌دهند. خواص یا نخبگان جامعه گروهی صاحب علم و بصیرت هستند که قدرت تحلیل جریانات جامعه و جدایی حق از باطل را دارند. نخبگان به دلیل برخورداری از علم و بصیرت، اسیر جو و هیجانات نمی‌شوند و فریب جریانات انحرافی در مسیر حرکت را نمی‌خورند.

مطالعه شخصیت خواص در جوامع مختلف نشان می‌دهد، این افراد معمولاً از پیشروان شروع نهضت، زندان رفته‌ها و تبعید شدگانی هستند که نهضت را در پیروزی‌اش یاری کرده و پس از پیروزی نیز با حفظ خلوص اولیه، موقعیت‌شناسی و رصد کردن انحرافات و پیروی از رهبر جامعه، عوام را از خطرات و آسیب‌ها حفظ می‌کنند. امام رضا علیه السلام به پیشگامی برخی از نخبگان این گونه اشاره می‌نمایند:

قال كنا في مجلس عيسى بن سليمان ببغداد ف جاء رجل إلى عيسى فقال: أردت أن أكتب إلى أبي الحسن الأول عليه السلام في مسألة أسأله عنها: جعلت فداك عندنا قوم يقولون بمقالة يونس فأعطيهم من الزكاة شيئاً؟ قال فكتب إلي: نعم أعطهم فإن يونس أول من يجيب عليا إذا دعى قال كنا جلوسا بعد ذلك فدخل علينا رجل فقال قد مات أبو الحسن موسى عليه السلام و كان يونس في المجلس فقال يونس: يا معشر أهل المجلس أنه ليس بيني وبين الله إمام إلا علي بن موسى عليه السلام فهو إمامي (كشي، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۴۸۹).

در این نوشتار مراد از خواص جامعه رضوی، افرادی هستند که پنج ویژگی بارز در آن‌ها دیده می‌شود:

الف. پایبندی به شریعت؛

ب. علم و دانش؛

ج. بصیرت؛

د. موقعیت‌شناسی؛

هـ. اطاعت از رهبری.

این افراد به مدد توانمندی‌هایی که دارند، با امام جامعه در ارتباط بوده، از محضر وی کسب فیض نموده و با علم و تقوا و بصیرت خود، جامعه را از انحرافات و لغزش‌ها مصون می‌دارند.

از آن جا که این پژوهش به دنبال بازشناسی تحلیلی نقش و جایگاه نخبگان و خواص جامعه در عصر امام رضا علیه السلام در ساخت دهی و هدایت جامعه شیعی در آن عصر است؛ نگارندگان با عنایت به عناوین و سؤالات مطرح شده، موضوع مورد بحث را به شیوه توصیفی و از نوع تحلیل اسنادی مورد بررسی و تحلیل قرار داده اند.

با توجه به روش پژوهش، جامعه پژوهش کلیه اسناد و مدارک و منابع مرتبط با موضوع مورد بحث است. بنابراین، سعی شده شخصیت تمام افرادی که با امام رضا علیه السلام در ارتباط بوده اند؛ حتی اگر میزان ارتباط آن‌ها با امام تنها به نقل یک روایت بوده باشد، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

### نخبگان و خواص جامعه رضوی

مطالعه و بررسی شخصیت سیصد و بیست نفر از کسانی که رجال پژوهان، آنان را از اصحاب امام رضا علیه السلام معرفی کرده‌اند؛ نشان می‌دهد برخی از افراد با توجه به ظرفیت و توانمندی‌هایی که داشته‌اند مورد عنایت ویژه امام بوده و امام آنان را از برترین اصحاب خود و نخبگان جامعه شیعی دانسته‌اند. تقریباً نام سی و دو نفر در میان اصحاب امام رضا علیه السلام به عنوان نخبگان جامعه می‌درخشد. بررسی شخصیت این سی و دو نفر نشان می‌دهد همه آنان دارای پنج ویژگی بارز بوده اند:

۱. پایبندی به آموزه‌های شریعت: نخبگان جامعه رضوی افرادی پرهیزکار بودند که عمل به آموزه‌های دینی در رأس زندگی آنان قرار داشته است. شخصیت صفوان بن یحیی از نخبگان و خواص جامعه رضوی این گونه گزارش شده است:

فكان يصلي في كل يوم مائة و خمسين ركعة و يصوم في السنة ثلاثة أشهر و يزكي زكاته ثلاث دفعات و كل ما يتبرع به عن نفسه مما عدا ما ذكرناه يتبرع (تبرع) عنهما مثله. و حكى أصحابنا أن إنسانا كلفه حمل دينارين إلى أهله إلى الكوفة فقال: إن جمالي مكرية و أنا أستأذن الأجراء. و كان من الورع و العبادة على ما لم يكن عليه أحد من طبقته رحمه الله (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۱۹۷).

۲. بهره‌مندی از علم و دانش: از ویژگی‌های برجسته نخبگان عصر رضوی، بهره‌مندی آنان از

علم و دانش است که اکثر آن‌ها علم و دانش خود را با حضور در کنار ائمه فرا گرفته‌اند. منظور از علم، علوم دینی، فلسفی، کلامی، طب، شیمی، نجوم و غیره می‌باشد. نخبگان افرادی صاحب علم هستند که با استفاده از علم خود، جامعه را از لغزش‌ها و انحرافات مصون می‌دارند. امام رضا علیه السلام علم و دانش برخی از نخبگان جامعه را مورد تمجید قرار داده‌اند. آن حضرت در تأیید علم یونس می‌فرماید:

حدثنی علی بن محمد بن قتیبة قال: حدثنی الفضل بن شاذان قال: حدثنی عبد العزیز بن المهتدی و کان خیر قمی رأیته و کان وکیل الرضا علیه السلام و خاصته فقال: إنی سألته فقلت: إنی لا أقدر علی لقائک فی کل وقت فعمن آخذ معالم دینی؟ فقال: خذ عن یونس بن عبد الرحمن (همان: ص ۴۴۶).

۳. دین شناسی آگاه: نخبگان جامعه رضوی در دین شناسی سرآمد همگان بودند و مراجع دینی مردم به شمار می‌رفتند. امام، زکریا بن آدم را دین شناسی آگاه دانسته و از شیعیان می‌خواهند که برای حل مشکلات و مسائل دینی خود به زکریا رجوع کنند:

و عنه عن سعد بن عبد الله عن محمد بن عیسی عن أحمد بن الولید عن علی بن المسیب قال قلت للرضا علیه السلام شقتی بعیدة و لست أصل إلیک فی کل وقت فممن آخذ معالم دینی؟ فقال: من زکریا بن آدم القمی المأمون علی الدین و الدنیا (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۹۵).

در دین شناسی یونس بن عبدالرحمن، همین بس که ابن فضال به یونس می‌گوید: «تو پیوسته احادیثی را می‌آوری که به وسیله آن گره‌گشایی می‌شود» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۱، ص ۳۸۸).

۴. بصیرت: از دیگر ویژگی‌های برجسته نخبگان عصر رضوی، بصیرت آنان بوده است. بصیرت نوعی ادراک انسانی است. برخی از اهل معرفت می‌گویند: «بصیرت قوه قلبی یا نیرویی باطنی است که به نور قدس روشن گردیده و از پرتو آن، صاحب بصیرت، حقایق و بواطن اشیا را در می‌یابد. بصیرت به مثابه بصیر (چشم) برای نفس است» (تهانوی، ۱۹۹۷م: ص ۳۰۵).

بصیرت و بیداری نخبگان جامعه در عصر رضوی، عرصه را برای جریانات انحرافی تنگ کرد. جریان انحرافی واقفیه با مغالطه‌ها و جدل‌ها توانستند بسیاری از افراد را واقفی کنند؛ اما

در برابر دو فرد بصیر جامعه: یعنی یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی نتوانستند با مغالطه و جدل وارد شوند. لذا در صدد برآمدند که آنان را تطمیع مالی کنند: «کان ممن بذل له علی الوقف مال جزیل و امتنع (فامتنع) من أخذه و ثبت علی الحق» (ابن داوود، ۱۳۸۳: ج ۱، ص ۳۸۳).

۵. اطاعت از رهبری: نخبگان جامعه رضوی مطیع محض امام و ولی خود بودند؛ این مسأله سبب شد تا گرفتار دام انحرافات و لغزش‌ها نشده و دیگران را هم از این لغزش‌ها و انحرافات نجات دهند. محمد بن سنان و صفوان بن یحیی دو تن از نخبگان جامعه رضوی و مطیع امام رضا علیه السلام بودند؛ چنان که امام جواد علیه السلام محمد بن سنان و صفوان بن یحیی را مورد ستایش و تمجید قرار داده و می‌فرماید: «این دو هرگز با من و پدرم مخالفت نکردند» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۰۴).

بنابر آن چه گفته شد، چهار ویژگی نخبگان جامعه رضوی را می‌توان چنین برشمرد: آراستگی به زیور تقوا، بهره‌مندی از علم، بهره‌مندی از بصیرت، و اطاعت از رهبری.

### گونه‌های نقش آفرینی نخبگان جامعه رضوی در هدایت جامعه شیعی

بازخوانی نقش و جایگاه نخبگان عصر رضوی نشان می‌دهد، که آنان در عرصه‌های دینی، علمی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی حضور داشته و به هدایت جامعه شیعی پرداخته و امت را از لغزش‌ها و انحرافات حفظ می‌نمودند.

#### ۱. عرصه دینی:

مراد از عرصه دینی، تمام مواردی است که با دین در ارتباط است. نخبگان فعال این عرصه، کسانی‌اند که با آموزه‌های دینی کاملاً آشنا هستند و برای پاسخ‌گویی به سؤالات دینی مردم، صلاحیت دارند. نخبگان در عرصه دینی، در زمینه‌های مختلفی، مانند فقه، علوم قرآن، علوم حدیث، تفسیر، قرائت قرآن کریم فعالیت دارند.

بیش‌ترین نخبگان عرصه دینی را فقها تشکیل می‌دهند. در این زمینه می‌توان از شخصیت‌هایی چون یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی بیاع السابری، محمد بن ابی

عمیر، عبدالله بن المغیره، الحسن بن محبوب، احمد بن محمد بن ابی نصر، الحسن بن علی بن فضال، فضالة بن ایوب، عثمان بن عیسی، زکریا بن آدم، معاویه بن حکیم، عبدالرحمن بن ابی نجران و جعفر بن بشیر نام برد.

از میان اشخاصی که نام آن‌ها به عنوان فقها و مراجع دینی ذکر شد، دو نفر از همه فقیه ترند: یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی.

در تحلیل و بررسی شخصیت یونس بن عبدالرحمن به عنوان یک مرجع دینی مورد تأیید امام، باید گفت: توان علمی یونس بن عبدالرحمن در حوزه مسائل دینی، به آن اندازه بوده است که امام به خواص جامعه سفارش می‌نمایند، مسائل دینی خود را از یونس فرا گیرید: حدیثی عبد العزیز بن المهتدی و کان خیر قمی رأیته و کان وکیل الرضا علیه السلام و خاصته فقال: إني سألته فقلت: إني لا أقدر على لقاءك في كل وقت فعمن آخذ معالم دینی؟ فقال: خذ عن یونس بن عبد الرحمن. و هذه منزلة عظيمة (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۴۴۶).

نکته حائز اهمیت در این گزارش، این که خطاب امام رضا علیه السلام به فردی عادی از شهروندان جامعه شیعی نیست؛ بلکه خطاب امام علیه السلام به وکیل خود، عبد العزیز بن المهتدی است. پس، توان علمی یونس به اندازه‌ای است که امام خواص جامعه شیعی را به وی ارجاع می‌دهد. امام علیه السلام در وصف شخصیت یونس بن عبدالرحمن می‌فرمایند: «یونس بن عبد الرحمن کذلک، هو سلمان فی زمانه» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۲۰۳). در حقیقت از منظر امام علیه السلام، شخصیت یونس، همچون سلمان در زمان رسول خدا می‌باشد.

گفتار فضل بن شاذان در این روایت: «جعفر بن معروف قال حدثني سهل بن بحر قال سمعت الفضل بن شاذان يقول ما نشأ في الإسلام رجل من سائر الناس كان أفاقه من سلمان الفارسی و لا نشأ رجل بعده أفاقه من یونس بن عبد الرحمن رحمه الله»؛ نشان می‌دهد، امام به این علت یونس بن عبد الرحمن را سلمان زمانه نامیده‌اند که سلمان از فقیه ترین افراد زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بوده است.

بنابراین، می‌توان گفت: یونس بن عبد الرحمن از اشخاصی است که امام از وی رضایت تام داشته‌اند و چنان که در گزارش ذیل خواهد آمد، شخصیت وی مورد پسند امام و مقبول آن

حضرت بوده است:

حدثني محمد بن مسعود قال حدثني جعفر بن أحمد قال حدثني العمري قال حدثني الحسن بن أبي قتادة عن داود بن القاسم قال قلت لأبي جعفر عليه السلام ما تقول في يونس؟ قال: من يونس؟ قلت ابن عبد الرحمن قال: لعلك تريد مولى بنى يقطين؟ قلت نعم فقال: رحمه الله فإنه كان على ما نحب (همان: ص ۴۸۶).

بنابراین، شخصیت یونس بن عبدالرحمن به عنوان اعلم و افقه مردم زمانه خویش مورد رضایت تام امام رضا عليه السلام و مقبول آن بزرگوار بوده است. در این جا این سؤال به ذهن می آید که شخصیت یونس بن عبدالرحمن، به عنوان یکی از خواص جامعه در نزد مردم زمان وی چگونه بوده است؟



گزارشی را مرحوم کشی نقل می کند که بسیار تکان دهنده است: «عده ای از اهل بصره، نزد امام رضا عليه السلام آمده و اجازه ورود خواستند؛ یونس بن عبدالرحمن نیز در آن هنگام نزد امام بود. امام به یونس بن عبد الرحمن اشاره کردند که وارد اتاق شده، پشت پرده مخفی گردد و حرکت نکند تا امام به او اجازه خروج دهند. اهل بصره وارد اتاق شدند و با امام به گفت و گو نشستند و شروع به بدگویی از یونس کردند. زمانی که آنان با امام خداحافظی کرده و رفتند؛ امام به یونس اجازه دادند که از پشت پرده بیرون آید. یونس نزد امام آمد، در حالی که گریه می کرد و می گفت: من این گونه از شما حمایت می کنم، اما یارانم از من این گونه سخن می گویند! امام در جواب یونس دو نکته را متذکر شدند:

۱. تا زمانی که امام تو از تو راضی است، از سخنان آن ها ناراحت مباش و سخنان آن ها به تو زیانی نمی رساند.

۲. ای یونس! با مردم در مورد آموزه های آشنا سخن بگو و آن چه را نمی دانند، رها کن. این سخن امام علت انکار و بدگویی یاران یونس را نشان می دهد. در جامعه شیعی عصر امام، توان اندیشه ورزی همه افراد یکسان نیست و همه آموزه های دینی برای همگان قابل هضم نیست. لذا امام از یونس می خواهند هر آن چه را خود می داند در اختیار دیگران قرار ندهد» (همان: ص ۴۸۷).

در روایتی دیگر نیز وقتی یونس بن عبدالرحمن نزد امام رضا عليه السلام از اصحاب شکایت

می‌کند؛ امام می‌فرمایند: «عقلشان نمی‌رسد. با آن‌ها مدارا کن؛ دارهم فإن عقولهم لا تبلغ» (همان: ص ۸۸۸).

صفوان بن یحیی از دیگر مراجع فقهی عصر امام رضا علیه السلام است. ویژگی‌های شخصیتی وی نشان می‌دهد که او از خواص شیعه است. عابدترین افراد بوده است که هر روز ۱۵۰ رکعت نماز می‌خوانده؛ همچنین سه ماه از سال را روزه می‌گرفته و سه مرتبه در سال زکات مال خود را پرداخت می‌کرده است. کتاب‌های وی نشان می‌دهد که او در علم فقه صاحب نظر و از برجستگان بوده است. کتاب *الشراء و البیع* و کتاب *التجارات غیر الأول*، کتاب *المحبة و الوظائف*، کتاب *الفرائض*، کتاب *الوصایا*، کتاب *الأداب*، کتاب *بشارات المؤمن*، از کتاب‌هایی است که ابن ندیم برای وی نقل کرده است (طوسی، بی‌تا: ص ۲۴۱).

یونس بن عبدالرحمن و زکریا بن آدم از فقهایی هستند که حکم مرجعیت آنان را امام علیه السلام امضا نموده‌اند. علی بن مسیب که از ثقات است؛ می‌گوید: «از امام رضا علیه السلام خواستم فردی را به من معرفی نمایند تا معالم دینم را از او فرا بگیرم. امام زکریا بن آدم را معرفی فرمودند» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۹۵).

محمد بن ابی عمیر نیز از شخصیت‌های بارز و از فقه‌های عصر رضوی است. وی نه تنها در فقه شیعه؛ بلکه در فقه اهل سنت نیز مهارت داشت؛ به همین علت مورد قبول اهل سنت می‌باشد.

بنابراین، در تبیین گونه‌های نقش‌آفرینی این نخبگان دینی در هدایت جامعه، باید گفت: علم نخبگان دینی از مسائل و آموزه‌های دینی بسیار گسترده و عمیق بود. نخبگان دینی با توجه به علمی که نسبت به آموزه‌های دینی داشتند، پاسخ‌گوی شهروندان شیعی و سنی بودند. علاوه بر پاسخ‌گویی به مسائل دینی، برخی چون یونس بن عبدالرحمن از استادان برجسته حوزه علوم دینی بودند که ضمن تربیت شاگردان به تصنیف و تألیف کتاب‌های فقهی در این حوزه می‌پرداختند.

از مهم‌ترین کتاب‌های فقهی این عصر می‌توان از کتاب‌های زیر نام برد:

کتاب الصلاة، المکاسب، الصید، الذبائح از جعفر بن بشیر؛

کتاب الطلاق، الحيض، الفرائض، النکاح، الحدود، الديات، از معاوية بن حکيم بن معاوية بن عمار؛

کتاب الحج، فضائل الحج، مناسک الحج، الصلوة، الصيام، المتعة، النکاح، الطلاق، الانفصال از محمد بن ابی عمير.

در این عصر، عده ای در حوزه علوم دینی به حفظ و نشر آموزه‌های اهل بیت پرداخته و روایات معتبری را در کتاب‌های بزرگی جمع آوری کردند و این اولین کتاب جامع در باب حدیث برای مسلمانان، به ویژه شیعیان بود که اساس تدوین جوامع اربعه شیعه شد. اسماعیل بن مهران از اشخاصی است که خطبه‌های امام علی عليه السلام را جمع آوری کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۲۶).

ابن ابی عمير نیز از مشایخ پرکار امامیه و از محدثان بزرگ و اصحاب اجماع است که نام وی در بسیاری از اسناد روایی که بیش از ۶۴۵ مورد می‌شود؛ آمده است (خویی، ۱۳۹۰: ج ۱۴، ص ۳۸۶). «جاحظ وی را یگانه دوران خود می‌شمارد» (جاحظ، ۱۴۲۲: ج ۱، ص ۸۴). ابن ابی عمير با آن که با علما و راویان اهل تسنن نیز ارتباط و همنشینی داشته و از ایشان حدیث بسیار شنیده است؛ فقط از طریق راویان امامی حدیث نقل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۵: صص ۵۱۰-۵۱۱).

از دیگر مشایخ و استادان علوم حدیث، حسن بن علی بن وشا است که از علما و راویان بزرگ و ارزشمند ما به حساب می‌آید.

ابراهیم بن هاشم قمی، از شاگردان یونس بن عبدالرحمن است که نجاشی او را اولین کسی می‌داند که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۱۶). عده‌ای دیگر از نخبگان دینی به تفسیر قرآن کریم مشغول بودند و از طریق تفسیر صحیح آیات و نهادینه کردن فرهنگ قرآن، به هدایت جامعه می‌پرداختند.

مرحوم سید حسن صدر می‌گوید: «حسین بن سعید دارای کتاب تفسیر قرآن است و نیز از کسانی است که آثار و تألیفات زیادی از خود به جای نهاده است» (صدر، بی‌تا: ص ۳۲۸). ابن ندیم می‌نویسد: «قدرت و گستردگی مقام علمی حسین اهوازی و برادرش، در

زمینه‌های علم فقه، آثار و تاریخ پیشینیان، مناقب و سایر علوم شیعی نسبت به دیگر دانشمندان زمان خود، بیش‌تر بوده است» (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ص ۲۷۷).

برخی از نخبگان عرصه دینی، از طریق آموزش قرآن کریم و قرائت قرآن به هدایت جامعه می‌پرداختند. ابراهیم بن ابی البلاد که نامش یحیی بن سلیم است، از قاریان قرآن کریم در عصر رضوی است و از کوفیانی است که صاحب کتاب و تألیف هم می‌باشد (علامه حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۸۳).

## ۲. عرصه فرهنگی

عده ای از نخبگان جامعه رضوی، موقعیت حساس جامعه را شناسایی می‌کردند و با تلاش خود در عرصه‌های فرهنگی، جامعه را از انحرافات و آسیب‌های فکری و فرهنگی مصون داشته و فرهنگ اصیل اسلام را در جامعه گسترش می‌دادند. در این دوران، جامعه با مشکلات فرهنگی متفاوتی روبه‌رو بود و نخبگان با حضور خود در بخش‌های مختلف به هدایت جامعه شیعی مشغول بودند. یکی از مهم‌ترین مشکلات فرهنگی پیش روی جامعه رضوی، ظهور جنبش‌ها و جریان‌های انحرافی بود. گاه انحرافات چنان گسترده و عمیق بود که امام علیه السلام برخی امام خواص خود را نیز در این انحرافات از دست می‌دادند.

امام رضا علیه السلام در دیدار با نخبگان عرصه فرهنگی، این مسأله را یادآور شده و از ایشان می‌خواستند با جریان‌های انحرافی و سران آن‌ها به مبارزه پرداخته و جامعه را از خطر تهاجم فرهنگی حفظ کنند. امام در گفت‌وگو با یونس می‌فرمایند:

حدثني الحسين بن الحسن القمي قال حدثني سعد بن عبد الله قال حدثني العبيدي عن يونس قال قال لي أبو الحسن الرضا عليه السلام يا يونس أ ما ترى إلی محمد بن الفرات و ما يكذب علي؟ فقلت أبعده الله و أسحقه و أشقاه فقال: قد فعل الله ذلك به أذاقه الله حر الحديد كما أذاق من كان قبله ممن كذب علينا يا يونس إنما قلت ذلك لتحذر عنه أصحابي و تأمرهم بلعنه و البراءة منه فإن الله برىء منه (كشي، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۵۴).

گفت‌وگوی امام، با یونس در واقع ارائه برنامه از جانب امام برای مبارزه با تهاجم افکار انحرافی است.

از نخبگان فرهنگی جامعه رضوی، می‌توان به فضل بن شاذان اشاره داشت. فضل بن شاذان قدم به عرصه مبارزه‌ای فکری نهاد و در همین زمینه با فرقه‌های انحرافی متعددی دست و پنجه نرم کرد. ارزش کار فضل بن شاذان هنگامی مشخص می‌شود که می‌بینیم عمده تألیفات او در رد این فرق انحرافی است. تعداد تألیفات فضل در رد گروهک‌های انحرافی، بیش از ۱۸۰ اثر است که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- الرد علی اهل التعطیل ۲- الرد علی الثنویه ۳- الرد علی الحشویه ۴- کتاب الوعید ۵- الرد علی القرامطه ۶- کتاب الاستطاعه ۷- تبیان اصل الضلاله ۸- الخصال فی الامامه ۹- الاعراض و الجواهر ۱۰- مسائل البلدان ۱۱- الملاحم ۱۲- المعیار و الموازنه ۱۳- محنة الاسلام ۱۴- الايضاح (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۰۶).

فضل بن شاذان علاوه بر تألیف کتاب، با برگزاری جلسات بحث و مناظره به مبارزه فرهنگی با گروهک‌های انحرافی می‌پرداخت. نجاشی در شرح حال علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری که از شاگردان فضل بود؛ می‌نویسد: «برای او کتابی است مشتمل بر ذکر مجالس مناظره فضل بن شاذان با اهل خلاف» (همان: ص ۸۵). شیخ مفید در کتاب کلامی الفصول المختاره مطالب زیادی را درباره فضل از جمله مناظرات وی آورده که گویای حدت ذهن و ممارست و احاطه علمی فضل بر مسائل است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: صص ۱۶۷-۱۷۰).

زکریا بن آدم، یکی دیگر از نخبگان فرهنگی در این دوران است. روزگار امام هشتم علیه السلام که شیادان و دنیاپرستان در پی گمراه ساختن شیعیان بودند، درخشان‌ترین و حساس‌ترین روزهای زندگی زکریا بن آدم بود (شیخ حر عاملی، بی‌تا: ج ۳، ص ۲۳۶).

مسأله فرهنگی دیگری که جامعه آن روز با آن روبه‌رو بود، تلاش برخی از کوتاه فکran و منحرفان برای از بین بردن آموزه‌های اهل بیت بود تا بتوانند با از بین بردن فرهنگ انسان ساز اهل بیت جامعه را منحرف سازند. نخبگان فرهنگی، تلاش بسیار می‌کردند تا بتوانند آموزه‌های صحیح دینی را در اختیار مردم قرار دهند. گزارش مرحوم کشی گویای این مهم است:

حدثنی محمد بن قولویه و الحسین بن الحسن بن بندار القمی قالاً حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثنی محمد بن عیسی بن عبید عن یونس بن عبد الرحمن أن بعض أصحابنا سأله و أنا حاضر فقال له یا أبا محمد ما أشدک فی الحدیث و أكثر

إنكارك لما يرويه أصحابنا فما الذي يحملك على رد الأحاديث؟ فقال حدثني هشام بن الحكم أنه سمع أبا عبد الله عليه السلام يقول لا تقبلوا علينا حديثنا إلا ما وافق القرآن و السنة أو تجدون معه شاهدا من أحاديثنا المتقدمة فإن المغيرة بن سعيد لعنه الله دس في كتب أصحاب أبي أحاديث لم يحدث بها أبي فاتقوا الله و لا تقبلوا علينا ما خالف قول ربنا تعالى و سنة نبينا صلى الله عليه وآله فإننا إذا حدثنا قلنا قال الله عز و جل و قال رسول الله صلى الله عليه وآله قال يونس: وافيت العراق فوجدت بها قطعة من أصحاب أبي جعفر عليه السلام و وجدت أصحاب أبي عبد الله عليه السلام متوافرين فسمعت منهم و أخذت كتبهم فعرضتها من بعد على أبي الحسن الرضا عليه السلام فأنكر منها أحاديث كثيرة أن يكون من أحاديث أبي عبد الله عليه السلام و قال لي: إن أبا الخطاب كذب على أبي عبد الله عليه السلام لعن الله أبا الخطاب و كذلك أصحاب أبي الخطاب يدسون هذه الأحاديث إلى يومنا هذا في كتب أصحاب أبي عبد الله عليه السلام فلا تقبلوا علينا خلاف القرآن فإننا إن تحدثنا حدثنا بموافقة القرآن و موافقة السنة إنا عن الله و عن رسوله نحدث و لا نقول قال فلان و فلان فيتناقض كلامنا إن كلام آخرنا مثل كلام أولنا (كشي، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۴۰۱).

طبق روایت فوق، یکی دیگر از اقدامات نخبگان فرهنگی عصر امام رضا عليه السلام سفر به مراکز پخش اندیشه‌های انحرافی بود؛ چنان که یونس بن عبدالرحمان به عراق سفر کرده، کتاب‌های احادیث آن‌ها را گرفته و در مدینه به امام رضا عليه السلام عرضه می‌کند و امام احادیث وضعی را برای وی مشخص می‌نمایند.

زکریا ابن آدم که از نخبگان علمی - فرهنگی است، نزد امام رضا عليه السلام رفته و از امام می‌خواهد از قوم خود که بیش‌تر آن‌ها از سفها هستند، جدا شده و از آن جا کوچ کند. امام عليه السلام مانع می‌شوند و از وی می‌خواهند که در میان قوم خود بماند. بدون شک ماندن زکریا در میان قوم خود می‌تواند به نشر آموزه‌های دینی و فرهنگ اهل بیت کمک کند:

حدثني محمد بن قولويه قال حدثنا سعد بن عبد الله بن أبي خلف عن محمد بن حمزة عن زكريا بن آدم قال قلت للرضا عليه السلام إني أريد الخروج عن أهل بيتي فقد كثر السفهاء فيهم فقال لا تفعل فإن أهل بيتك يدفع عنهم بك كما يدفع عن أهل بغداد بأبي الحسن الكاظم (همان: ص ۵۹۴).

بنا بر آن چه گفته شد، در حوزه فرهنگی، نخبگان و خواص جامعه با برگزاری جلسات مناظره،

تألیف کتاب در رد اندیشه‌های انحرافی، سفر به مراکز پخش اندیشه‌های انحرافی، نظارت بر کتاب‌های ترجمه شده، به هدایت جامعه شیعی می‌پردازند.

### ۳. عرصه علمی

دوران امام رضا علیه السلام را از لحاظ علمی و پیشرفت‌های فرهنگی، عصر طلایی می‌دانند و این نامگذاری به علت شکوفایی و گسترش علوم مختلف در این دوران است. در این دوران بسیاری از مردم به تحصیل و تولید علم روی آوردند.

با بررسی شخصیت‌های علمی دوران امام رضا علیه السلام می‌توان گفت: با توجه به مسائلی که در دوران امام رضا علیه السلام مطرح بود، خواص جامعه، در بخش‌های زیر به هدایت علمی افراد جامعه می‌پرداختند:

#### الف. تولید علوم اسلامی

نهضت ترجمه در دوران عباسیان، خصوصا در زمان مامون و هارون به اوج خود رسید. هر چند این نهضت بر ایجاد حرکت علمی تأثیری بسزا داشت؛ از موارد نگران کننده نیز خالی نبود؛ زیرا مترجمان متعصب که به مذاهب غیر اسلامی متعلق بودند، مانند زرتشتیان، نسطوریان و برهمن‌ها، یقینا در کار خود حسن نیت نداشتند و گروهی هم تلاش می‌کردند از بازار داغ انتقال علوم بیگانه به محیط اسلام برای نشر عقاید فاسد خود فرصتی بیابند. بنابراین، در لابه لای آثار ترجمه ای که وارد جامعه اسلامی می‌شد، آثاری از عقاید خرافاتی و انحرافی و غیر اسلامی وجود داشت. مسلما چنین امری از تاثیرگذاری بر افکار عمومی و انحراف آن‌ها خالی نبود. در حکومت عباسیان نیز هیچ تشکلی که آثار علمی بیگانه را مورد ارزیابی قرار دهد؛ وجود نداشت. عقل‌گرایی محض که از کتاب‌های یونانی و سریانی و غیر آن به وجود آمده بود؛ عده زیادی را به مذهب اعتزال سوق داده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶: ج ۱، صص ۴۲۸، ۴۲۹).

با توجه به موارد مذکور و رواج آموزه‌های مبتنی بر کتاب‌های علمی بیگانگان؛ طبیعتا توجه به این آثار با رویکرد استفاده علمی از آن‌ها و نیز ارزیابی و نقد و بررسی مطالب غیر

صواب آن‌ها، امری طبیعی است. همین نکته سبب شد که خواص جامعه، جهت بررسی این کتاب‌ها، محافل علمی تشکیل داده و خود به تألیف کتاب‌های علمی اسلامی بپردازند و جامعه را از کتاب‌های بیگانگان بی‌نیاز سازند.

از علومی که نخبگان علمی در آن علوم سرآمد همگان شدند و به تألیف آثار عدیده‌ای پرداختند می‌توان از علوم زیر نام برد:

**علوم دینی:** در دوران امام رضا علیه السلام علوم دینی به سرعت رشد کرده و نخبگان بسیاری در زمینه علوم دینی به تحصیل و تدریس و تألیف مشغول بودند. یونس بن عبدالرحمن از جمله نخبگان دینی است که تألیف و تصنیف کتاب از مهم‌ترین کارهای علمی اوست: «کان لیونس بن عبد الرحمن أربعون أخوا یدور علیهم فی کل یوم مسلما ثم یرجع إلی منزله فیأکل و یتهیأ للصلاة ثم یجلس للتصنیف و تألیف الکتب و قال یونس: صمت عشرين سنة و سألت عشرين سنة ثم أجبت» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۴۸۰).

**علم کلام:** از آن جهت که جامعه عصر رضوی از اندیشه‌ها و آرای مختلفی مملو بود؛ علم کلام رونق گرفت و متکلمین بسیاری چون یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان، حسن بن علی بن یقطين به بحث‌های کلامی پرداختند. در این زمینه آثاری، مانند کتاب الايضاح فضل بن شاذان وجود دارد.

**علم نجوم:** از آثار بیگانه‌ای که ترجمه می‌شد، کتاب‌هایی در حوزه علم نجوم بود. برخی از خواص جامعه رضوی با فراگرفتن علم نجوم و به کارگیری آن در مسیر صحیح، زمینه‌های هدایت خود و اصحاب را فراهم کردند. از جمله این افراد ابو خالد سجستانی است. ابو خالد پس از شهادت امام موسی کاظم علیه السلام به گمان این‌که امام موسی بن جعفر علیه السلام زنده است، به جمع واقفیه می‌پیوندد و سپس با بهره از دانش ستاره‌شناسی که بی‌شک نزد امام آموخته است، به شهادت امام کاظم علیه السلام یقین می‌نماید و در صف یاران امام رضا علیه السلام در می‌آید (امین، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۳۴۶).

**علم طب:** از ویژگی‌های این دوران، گسترش علم پزشکی بود. نقش اول در اهتمام به علم طب و گسترش آن به شخصیت امام رضا علیه السلام، مربوط است. آن حضرت با ارائه بحث‌ها و مکتوبات مهمی در این زمینه، از جمله رساله ذهبیه، در گرایش خواص جامعه به این علم

نقش مهمی داشتند. این مهم باعث شد تا جامعه از کتاب‌های طبی بیگانگان بی‌نیاز باشد. از نخبگانی که در حوزه طب صاحب کتاب است، جعفر بن بشیر می‌باشد.

ادبیات و شعر: برخی از نخبگان جامعه در حوزه ادبیات و شعر فعالیت داشته و از آن جهت هدایت افراد جامعه استفاده می‌کردند. یکی از ابزارهای دشمن در جنگ نرم استفاده از ادبیات و شعر است. نخبگان جامعه رضوی نیز برای هدایت جامعه و خنثی سازی جنگ نرم دشمنان از ادبیات و شعر بهره گرفتند. دعبل یکی از نخبگان علمی در عرصه شعر و ادبیات است. دعبل بن علی خزاعی در مرو، خدمت ابی الحسن؛ علی بن موسی علیه السلام شرفیاب گردید و عرض کرد: یا ابن رسول الله! من در باره شما قصیده‌ای گفتم و با خود سوگند خوردم که آن را پیش از تو برای کسی نخوانم. حضرت فرمود: آن را بیاور و او آن قصیده را برای آن حضرت خواند (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۰۴).

#### ب. برگزاری بحث و مناظره‌های علمی

در این دوره نخبگان در برخی از علوم، مانند کلام، فلسفه، علوم دینی پیشرفت کرده و جلسات گفت‌وگو و مناظره در زمینه مسائل علمی تشکیل داده و با بیان حقایق علمی به هدایت جامعه اسلامی می‌پرداختند.

از مسائل علمی مطرح بین اصحاب در این عصر، مسأله «حدود علم نبی و امام» است. فضل بن شاذان در این زمینه مناظره ای دارد که مرحوم کشی چنین نقل می‌کند:

قال أبو الحسن علی بن محمد بن قتیبة و مما رقع عبد الله بن حمدويه البیهقی و کتبتہ عن رقعته: أن أهل نيسابور قد اختلفوا فی دینهم و خالف بعضهم بعضا و یکفر بعضهم بعضا و بها قوم یقولون إن النبی صلی الله علیه و آله عرف جميع لغات أهل الأرض و لغات الطيور و جميع ما خلق الله و كذلك لا بد أن یکون فی کل زمان من يعرف ذلك و یعلم ما یضمّر الإنسان و یعلم ما یعمل أهل کل بلاد فی بلادهم و منازلهم و إذا لقی طفلین یعلم أيهما مؤمن و أيهما یکون منافقا و أنه يعرف أسماء جميع من یتولاه فی الدنيا و أسماء آبائهم و إذا رأى أحدهم عرفه باسمه من قبل أن یکلمه و یزعمون جعلت فداک أن الوحي لا ینقطع و النبی صلی الله علیه و آله لم یکن عنده کمال العلم و لا کان عند أحد من بعد و إذا حدث الشیء فی أي زمان کان و لم یکن علم ذلك عند

صاحب الزمان: أوحى الله إليه و إليهم فقال: كذبوا لعنهم الله و افتروا إثما عظيما. و بها شيخ يقال له الفضل بن شاذان يخالفهم فى هذه الأشياء و ينكر عليهم أكثرها و قوله: شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمدا رسول الله و أن الله عز و جل فى السماء السابعة فوق العرش كما وصف نفسه عز و جل و أنه جسم فوصفه بخلاف المخلوقين فى جميع المعانى ليس كمثله شىء و هو السميع البصير و أن من قوله: إن النبى ﷺ قد أتى بكمال الدين و قد بلغ عن الله عز و جل ما أمره به و جاهد فى سبيله و عبده حتى أتاه اليقين و أنه ﷺ أقام رجلا يقوم مقامه من بعده فعلمه من العلم الذى أوحى الله ... (همان: ص ۵۴۰).

این گزارش نشان می‌دهد که در حوزه مسائل علمی راجع به ابعاد وجودی ائمه اختلاف بسیاری بین افراد جامعه بوده و عده ای از صاحب نظران، از طریق بیان علمی به حل و فصل این مشکلات می‌پرداختند.

ج. تأسیس حوزه‌های علمیه در بغداد، مدینه و کوفه و تدریس علوم اسلامی در این حوزه‌ها استادانی که در این حوزه‌های علمیه به تدریس مشغول بودند، کسانی‌اند که از ظرفیت والای علمی برخوردارند. از مهم‌ترین این شخصیت‌ها یونس بن عبدالرحمن است که شاگردان بسیاری در کلاس درس وی حاضر می‌شدند. از جمله شاگردان وی، ابواسحاق ابراهیم بن هاشم است. بنابر آن چه گفته شد، نخبگان علمی جامعه رضوی با فراگیری علوم مختلف و برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی و نقد و بررسی، جامعه را در مسیر صحیح علمی حرکت می‌دادند.

#### ۴. عرصه سیاسی

یکی از عرصه‌های مهمی که نخبگان جامعه رضوی در آن به فعالیت مشغول بودند؛ عرصه سیاسی بود.

مسأله امامت امام علی علیه السلام و بر حق بودن اهل بیت و شایستگی آن‌ها به جانشینی رسول خدا؛ چگونگی ارتباط با بیگانگان؛ شناسایی چهره‌های منافق جامعه و حفظ وحدت شیعیان از مهم‌ترین مسائل سیاسی بود که در جامعه آن روز مطرح بود.

فضل بن شاذان از چهره‌های سیاسی فعال است که با تألیف آثار و گفت‌وگوهایی که در

عرصه‌های مختلف داشته، به هدایت جامعه شیعی در بعد سیاسی پرداخته است.

مطالعه کتاب *الایضاح* فضل بن شاذان مبارزه سیاسی وی را در سه محور نشان می‌دهد:

الف. فضل با بیان حدیث مشهور حدائق بهشتی، موضوع امامت و جانشینی امام علی علیه السلام را مطرح و بیان می‌کند که امامت حق امام بود که توسط دیگران غصب شد. همچنین فضل در مناظره ای که از او سؤال شد: بر امامت علی بن ابی طالب چه دلیلی وجود دارد؛ پاسخ داد: «بر این امر دلایل زیادی وجود دارد؛ یکی از آنها، آیه قرآن است که فرموده است: یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم. با این توضیح که خداوند ما را به اطاعت از اولی الامر دعوت کرده؛ همچنان که ما را به اطاعت از خود و رسولش امر کرده است. بنابراین، همچنان که بر ما شناخت خدا و رسول واجب است؛ شناخت اولی الامر ضروری و واجب می‌گردد. از طرف دیگر، همه اجماع دارند که این آیه در شأن علی بن ابی طالب است؛ ولی در معنای اولی الامر اختلاف کرده‌اند. بعضی گفته‌اند: اولی الامر امیران و فرماندهان جنگ می‌باشند. بعضی گفته‌اند: منظور، علما هستند و برخی منظور از اولی الامر را آمرین به معروف می‌دانند. حال ما می‌پرسیم: بر فرض که همه این‌ها درست باشد؛ آیا امام علی علیه السلام از فرماندهان جنگ نبود؟ قطعاً می‌گویند: بوده است. به دسته دوم می‌گوییم: آیا علی علیه السلام از علما نبود؟ باز جواب مثبت است. به دسته سوم می‌گوییم: آیا علی علیه السلام آمر به معروف و ناهی از منکر نبود؟ این را نیز قبول دارند. نتیجه این که با اقرار طرف مقابل، این اتفاق و اجماع به دست می‌آید که مقصود از آیه قرآن، قطعاً علی علیه السلام است (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۱، ص ۳۷۴).

تألیفات متعددی که از نخبگان جامعه رضوی در خصوص بحث امامت و اثبات امامت علی بن ابی طالب وجود دارد، حاکی از این مطلب است که در این دوران برخی از نخبگان وارد مبارزه سیاسی با خلفای بنی عباس شده و امامت جامعه اسلامی را شایسته اهل بیت می‌دانند.

فضل، در بخش دیگری از کتاب خود به بررسی چهره‌های مهم نفاق پنهان در قضایای صدر اسلام می‌پردازد و در این زمینه از ابوهریره، ابوموسی اشعری، مغیره بن شعبه، سمره بن جندب، عبدالله بن عمر، عایشه و عمرو بن العاص نام می‌برد. وی با مطرح نمودن چهره‌های

منافق صدر اسلام، خطر منافقین را برای جامعه شیعی عصر رضوی خاطر نشان می‌سازد و مردم را به خطر منافقین متوجه می‌کند.

چنان که بیان شد، نهضت ترجمه در عصر رضوی سبب گردید تا اندیشه و افکار بیگانگان به جامعه اسلامی وارد شود. فضل بن شاذان این خطر را احساس نموده، در بخشی از کتاب خود، به خطر تکیه بر یهود و نصارا و ارتباط با آنها می‌پردازد.

حفظ وحدت شیعیان، از جمله مواردی بود که نخبگان سیاسی سعی داشتند با تدابیر خود وحدت جامعه شیعی را حفظ کنند. مخالفان شیعه و اهل بیت تلاش می‌کردند خواص و نخبگان جامعه را شناسایی و با از بین بردن آنها وحدت جامعه شیعی را بر هم زنند. شکنجه ابن ابی عمیر حاکی از این مطلب است:

محمد بن ابی عمیر البزاز بیاع السابری قضا [جنخ] ثقة [ست] یکنی أبا أحمد من موالی الأزد و اسم ابی عمیر زیاد [بن عیسی] من أوثق الناس عند الخاصة و العامة و أنسکهم و أروعهم و أعبدهم و قد ذکره الجاحظ فی کتابه فی فخر قحطان علی عدنان بذلک و ذکر أنه کان أوحدهم أهل زمانه فی الأشياء كلها أدرك من الأئمة ثلاثة: أبا إبراهيم موسى بن جعفر عليه السلام و لم يرو عنه و روى عن أبی الحسن الرضا عليه السلام و روى عنه أحمد بن محمد بن عیسی کتب مائة رجل من رجال أبی عبد الله عليه السلام و له مصنفات كثيرة و ذکر ابن بطنة أنها أربعة و تسعون کتابا [کش جش] حبس بعد الرضا عليه السلام و نهب ماله و ذهب کتبه و کان یحفظ أربعین جلدا فلذلک أرسل أحادیثه. و کان قد سعی به أنه يعرف أسماء الشيعة و مواضعهم فأمره السلطان بتسميتهم فأبى فضرب ضربا عظیما و قیل: کان ذلک لیلی القضاء قال: فلما بلغ بی الضرب ذلک کدت أسمیهم فسمعت نداء [محمد بن یونس بن عبد الرحمن یقول]: یا محمد بن أبی عمیر اذکر موقفک بین یدی الله فتقویت بقوله و صبرت و لم أخبرهم (ابن داوود، ۱۳۸۳: ص ۳۴۶).

برخی دیگر، ضمن رعایت تقیه، در دربار حکام وقت حاضر می‌شدند و جریانات سیاسی کشور را پیگیری و به نفع شیعیان حکم می‌کردند. از جمله این افراد، محمد بن اسماعیل بن بزیع است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۳۳۰). وی جزء وزرای حکومت وقت بوده است و امام رضا عليه السلام در همین زمینه به او می‌فرمایند: همانا در درگاه حکومت‌های ظالم، کسی است که خداوند به

وسیله او دلایل و برهان‌ها را آشکار می‌نماید و به او امکان می‌دهد که در بلاد مسلمین، ظالمین را از اولیای الهی و مؤمنین دفع کند. خداوند به وسیله او، امور مسلمین را اصلاح می‌نماید؛ به خاطر این که آنان ملجأ مؤمنین از ظلم و ضرر هستند. بر آنان واجب است که از حاجتمندان شیعه ما فریادرسی کنند به وسیله آنان، دل مؤمن در تاریکی‌ها به خدا ایمان می‌آورد و همانا آنان مؤمنان حقیقی هستند.

امام رضا علیه السلام پس از آن فرمودند: چه کسی می‌تواند از آنان باشد؛ البته اگر بخواهد به همه مشکلات آنان برسد؟ در این جا محمد بن اسماعیل بن بزیع گفت: چگونه، فدای تو شوم؟! حضرت فرمودند: کسی که با شیعیان باشد و ما را به وسیله ادخال سرور در دل مؤمنان از شیعیان ما شادمان کند. پس، ای محمد! تو از آنان باش (علامه حلی، ۱۴۱۱: ص ۱۳۹).

البته تمام فعالیت‌های سیاسی نخبگان زیر نظر امام علیه السلام و در سازمانی به نام «سازمان و شبکه وکالت» انجام می‌گرفت.

## ۵. عرصه اقتصادی

عرصه اقتصادی از دیگر مواردی بود که خواص و نخبگان جامعه از طریق آن، به هدایت مردم می‌پرداختند. مهم‌ترین فعالیت نخبگان اقتصادی را می‌توان در سه محور بیان نمود:

**الف. وکلای اقتصادی امام:** در جامعه شیعی عصر امام، برخی از افراد که از حیث تقوا و پایبندی به شریعت و اطاعت از رهبری بی‌نظیر بودند؛ به سمت وکالت اقتصادی رسیده و وکیل امام در امور اقتصادی بودند. این افراد وجوهات شرعی را جمع‌آوری می‌کردند و در اختیار امام قرار می‌دادند.

عبدالعزیز بن المهتدی، ایوب بن نوح بن دراج، اسحاق بن ابراهیم حضینی، صفوان بن یحیی از وکلای اقتصادی امام رضا علیه السلام هستند. مرحوم کشی در بیان شخصیت ایوب بن نوح بن دراج می‌نویسد:

كان في الصالحين و كان حين مات و لم يخلف إلا مقدار مائة و خمسين ديناراً و كان عند الناس أن عنده مالا لأنه كان وكيلاً لهم (كشي، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۷۲).

گزارش کشی نشان می‌دهد که ویژگی بارز نخبگان عرصه اقتصادی، امانت‌داری آنان بود؛

چنان که ایوب بن نوح بن دراج با وجودی که وجوهات شرعی فراوانی در اختیار داشت، پس از وفاتش تنها ۱۵۰ دینار از وی برجای مانده بود.

#### ب. فرهنگ وقف:

برخی از نخبگان اقتصادی جامعه، با وقف به اقتصاد جامعه رضوی کمک می‌کردند. جعفر بن بشیر، از نخبگان با تقوا و با ایمانی بود که در کوفه مسجدی را بنا نهاده بود و نجاشی این مسجد را در بجیله دیده و در آن نماز خوانده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ص ۱۱۹).

#### ج. هجرت و کسب درآمد برای بهتر شدن اقتصاد جامعه شیعی:

در نظام فکری امام رضا علیه السلام، جهاد و تلاش مقدس اقتصادی در جهت تعالی جامعه اسلامی، به خصوص از بعد اقتصادی آن، به معنای استمرار حیات مطلوب جامعه می‌باشد؛ به نحوی که سامان بخشیدن به دنیای انسان‌ها را در گرو پایبندی به این مهم می‌دانست. در نتیجه آن‌ها را به کار و کوشش فرا می‌خواند.

احمد بن ابی نصر بزندی، به امام علیه السلام می‌گوید: کوفه به من نمی‌سازد و زندگی در آن با مضیقه همراه است. زندگی ما در بغداد بود و در آنجا روزی بر مردم گشاده است. حضرت فرمودند: «اگر می‌خواهی بیرون بروی، برو؛ زیرا امسال، سال آشفته‌ای است و مردمان را جز طلب روزی و کوشش برای به دست آوردن معیشت خوب چاره‌ای نیست. پس، طلب و کوشش را برای به دست آوردن امکانات زندگی از دست مده» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۵۸۷).

#### بایسته‌های نقش‌آفرینی نخبگان در هدایت جامعه شیعی در عصر غیبت

با توجه به آن چه از فعالیت نخبگان جامعه رضوی در عرصه‌های مختلف علمی، دینی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی گفته شد؛ می‌توان ویژگی‌ها و بایسته‌های نخبگان در عصر غیبت را جهت نقش‌آفرینی در این عصر، در سه محور بررسی نمود:

#### الف. ویژگی‌های شخصیتی نخبگان

با تکیه بر شخصیت نخبگان عصر امام رضا علیه السلام نتیجه می‌شود که در عصر غیبت، نخبگان جامعه

بایستی دارای ویژگی‌های ذیل باشند، تا بتوانند امت اسلام را به سمت اسلام اصیل هدایت نمایند:

۱. شناخت کامل از امام عصر: مهم‌ترین وظیفه‌ای که شیعه منتظر بر عهده دارد، کسب معرفت درباره وجود مقدس امام و حجت زمان خویش است. در روایات نیز بر ضرورت معرفت امام تأکید فراوانی شده است. شناخت کامل امام زمان، به شیعیان عصر غیبت تفکری جهانی می‌بخشد و سبب می‌شود نخبگان برای هدایت تمام شیعیان جهان تلاش کنند.

۲. اطاعت محض از مقام ولایت فقیه: در عصر غیبت، رکن اساسی جامعه اسلامی را ولایت فقیه تشکیل می‌دهد. که در این عصر، ولایت فقیه اداره امور مربوط به مسلمین را بر عهده دارد. اطاعت محض از مقام ولایت فقیه سبب حفظ وحدت جامعه شده و نخبگان با الگو گرفتن از ولایت فقیه و استفاده از ارشادات و راهنمایی‌های ایشان، به هدایت عوام می‌پردازند.

۳. علم: از ویژگی‌های برجسته و بارز نخبگان و بایسته‌های آن‌ها جهت اجرای رسالت خود، علم آنان است. در جامعه شیعی عصر غیبت، باید در تمام علوم مطرح جهان، نخبگانی وجود داشته باشند تا جامعه را از علوم بیگانه و تولیدات علمی آنان بی‌نیاز سازند. خوشبختانه امروزه در علوم مهمی چون پزشکی، ژنتیک، داروسازی، شیمی و فیزیک هسته‌ای نخبگان جامعه موفقیت‌های شایان توجهی داشته‌اند.

۴. تقوا و پایبندی به شریعت اسلام: زمانی که مردم جامعه ایمان و عمل به شریعت را در وجود نخبگان جامعه ببینند، خود نیز به شریعت اسلام پایبند شده و این می‌تواند درسی عملی برای هدایت امت اسلام و عوام جامعه شیعی باشد.

۵. بصیرت: نخبگان جامعه شیعی اگر از بصیرت لازم برخوردار نباشند، در جنگ نرم در مصاف دشمن شکست می‌خورند. دشمن جامعه شیعی با ابزارها و وسیله‌ها و نیرنگ‌های گوناگون وارد می‌شود تا بتواند جامعه شیعی را از صراط مستقیم منحرف کند. بی‌تردید از جمله عوامل مهم پیروزی جامعه شیعی در برابر پدافند غیر عامل دشمن، بصیرت نخبگان خواهد بود.

## ب. اصول رفتاری نخبگان

بررسی و تحلیل شخصیت نخبگان عصر رضوی، برخی اصول رفتاری را به جامعه شیعی ارائه می‌دهد. در این عصر نخبگان با رعایت آن اصول توانستند به هدایت امت اسلام بپردازند. این اصول عبارتند از:

۱. اطاعت از مقام رهبری: یکی از ویژگی‌های برجسته نخبگان جامعه رضوی اطاعت از امام رضا علیه السلام بود.
۲. در نظر گرفتن توان اندیشه ورزی افراد جامعه: از مواردی که سبب شد جامعه شیعی عصر امام رضا علیه السلام برترین شخصیت نخبه جامعه شیعی را انکار کرده و از او نزد امام بدگویی کنند، یکسان نبودن توان اندیشه ورزی جامعه بود؛ چنان که در مورد یونس بن عبدالرحمان این اتفاق صورت گرفت. وی برترین شخصیت جامعه عصر رضوی است که از علوم بسیار عمیق و گسترده ای برخوردار بود. وی این علوم را در اختیار دیگران قرار داد، بدون این که توان اندیشه ورزی افراد را در نظر بگیرد به همین سبب از سوی یاران خود نیز طرد شد. نخبگان جامعه عصر غیبت باید به این مهم توجه داشته و با توجه به میزان عقل و اندیشه افراد با آن‌ها سخن بگویند و آموزه‌های دینی را برای آنان مطرح کنند.
۳. مدارا کردن: سخن امام علیه السلام با یونس بن عبدالرحمن: «علی بن محمد القتیبی قال حدثنی أبو محمد الفضل بن شاذان قال حدثنی أبو جعفر البصری و کان ثقة فاضلا صالحا قال دخلت مع یونس بن عبد الرحمن علی الرضا علیه السلام فشکا إلیه ما یلقى من أصحابه من الوقیعة فقال الرضا علیه السلام: دارهم فإن عقولهم لا تبلغ» (کشی، ۱۳۴۸: ج ۱، ص ۸۸۸)؛ نشان می‌دهد که نخبگان جامعه ممکن است با اتهامات و توهین‌ها و بی‌احترامی‌ها روبه رو شوند. در چنین شرایط حساسی وظیفه دارند با مردم مدارا کنند؛ چنان که امام به یونس این نکته را دستور می‌دهد.
۴. موقعیت شناسی: موقعیت شناسی از دیگر اصولی است که مورد توجه نخبگان جامعه رضوی قرار داشت؛ چنان که فضل بن شاذان موقعیت فرهنگی سیاسی جامعه خود را در نظر گرفته، به تألیف کتاب پرداخته است.
۵. آشنایی با علوم دینی: چنان که بررسی شخصیت سی و دو نفر از نخبگان جامعه رضوی نشان می‌دهد، تمام نخبگان در هر عرصه ای که فعالیت دارند، با آموزه‌های دینی آشنا هستند. متأسفانه نخبگان علمی، سیاسی و اقتصادی جامعه ما از آموزه‌های دینی اطلاع چندانی ندارند.
۷. استفاده از علوم مختلف جهت حفظ دین اسلام: فراگیری علوم مختلف از سوی نخبگان عصر رضوی باعث شد تا جامعه به علم بیگانگان چندان نیازمند نباشد.

### ج. عرصه‌های نقش آفرینی

زمانی که نخبگان به زیور علم، و ادب، اخلاق، تقوا و پابندی به شریعت آراسته شوند؛ می‌توانند در عرصه‌های مختلف علمی، دینی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی فعالیت کرده و با توجه به حوزه تخصصی خود به هدایت جامعه شیعی بپردازند. موقعیت کنونی جامعه ما نشان می‌دهد فعالیت نخبگان در عرصه فرهنگی بسیار حساس است.

وضعیت کنونی جهان و نقش وسایل ارتباط جمعی در زمان حاضر، اقتضا می‌کند که در عرصه هنر نیز به پرورش نخبگانی بپردازیم که با هنر اسلامی خود بتوانند به هدایت جامعه بپردازند. ماهواره، اینترنت، صدا و سیما باید در اختیار نخبگان هنری باشد که آموزه‌های دین اسلام را در قالب هنر به جامعه جهانی عرضه کنند.

### نتیجه

مطالعه و بررسی تحلیلی سی و دو شخصیت نخبه جامعه رضوی نشان می‌دهد که همه آنان دارای پنج ویژگی برجسته، علم، تقوا و پابندی به شریعت، بصیرت، موقعیت‌شناسی، اطاعت از رهبری می‌باشند. با توجه به این ویژگی‌ها و توانمندی‌هایی که در نخبگان عصر رضوی ملاحظه می‌شود؛ آنان در عرصه‌های دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به هدایت جامعه مشغول بوده‌اند. مطالعه شخصیت نخبگان عصر رضوی، می‌تواند به عنوان الگو و راهکاری باشد تا نخبگان در عصر غیبت بتوانند با الگوگیری از آنان به هدایت جامعه شیعی بپردازند.

این نوشتار به سه بحث پرداخته است:

الف. نخبگان و خواص جامعه امام رضا علیه السلام؛

ب. تبیین گونه‌های نقش آفرینی نخبگان در هدایت جامعه شیعی عصر امام رضا علیه السلام؛

ج. بایسته‌های نقش آفرینی نخبگان در هدایت جامعه شیعی در عصر غیبت با تکیه بر شخصیت نخبگان عصر رضوی.

بررسی و تبیین گونه‌های نقش آفرینی نخبگان جامعه رضوی زمینه‌ای است تا جامعه اسلامی دوران غیبت نیز بتواند با تربیت و پرورش نخبگانی صاحب علم و بصیرت و تقوا زمینه رشد و شکوفایی جامعه اسلامی را فراهم سازد.